

نامه ی تیمورتاش به تقی زاده

با کج سلیقگی رفقای سابق حضرتعالی در تحت حمایت عالییه ی سفارت و قنصلگری های دولت شوروی روسیه فرقه سوسیالیست تشکیل شده؛ می گویند کابینه سوسیالیست است ولی البته اغلب این آقایان سوسیالیست ایران یعنی بی عقیده و بوجار لنجان می باشند. تقسیم فقر عمومی در عوض ثروت و مشی در طریق تقلید به نظر غیر منطقی می آید. یگانه چاره تاسیس فرقه ی قوی آزادیخواه اصلاح طلب است!

[تیمورتاش این نامه را به هنگام والیگری کرمان و مقارن تشکیل کابینه ی سردار سپه نوشته است و چنانچه از آن نیک پیداست وی هودار آزادی و لیبرالیسم است و به کابینه ای که رضاخان تشکیل داده خوشبین نیست. اما گویا بعدها قدرت طلبی بر او چیره شد و به رضاخان نزدیک شد و به خدمت دیکتاتور درآمد و او را پرورش داد و سرانجام سر خویش را هم همچون بسیاری دیگر در این راه باخت که هیچ دیکتاتوری چشم دیدن خدمتگزاری را که بیش از او می داند و بیش از توانایی دارد ندارد.

او می خواست تقی زاده در برابر سوسیالیست هایی که به گمان او تحت حمایت سفارت شوروی بودند در راس حزبی مردمی و آزادیخواه قرار بگیرد که توانایی ایستادن در برابر یکه تازی های رضاخان را نیز داشته باشد. این نیز یکی از مثال های تاریخی همگامی صریح یا ضمنی رادیکال های ایران با طرفداران نظام اتوریتز است. در این مورد بین سوسیالیست ها با رضا خان است و بعد ها بین توده ای ها و محمد رضا شاه هم تکرار شد و امروز هم برخی از آنهایی را که از چپ بریده اند می بینیم که باز بعد از این همه تجربه تلخ به سوی وراثت حکومت آریامهری ابراز تمایل می کنند.]

سردار معظم خراسانی (طغرای سرکاغذ به رنگ نقره ای)

شخصی خصوصی

12 عقرب 5 نوامبر - کرمان

قربانت شوم نمی دانم یکی از ارادت کیشان قدیمی و همکار مجلس دوم خودتان را در نظر دارید یا این که فراموش فرموده اید. امیدوارم فراموش نفرموده باشید. این جانب همیشه ارادت کیش حضرتعالی بوده و از دور مطلع از حال حضرتعالی بوده ام ولی موفق به این نشده ام که در صدد ابراز مراتب اعتقاد و علاقمندی خود به آن وجود محترم بر آیم. تا این که چون حضرتعالی را « پاتریت » و وطن دوست می دانم لهذا در تحت تاثیر پاره [ای] احتیاجات مملکتی این عریضه را می نویسم و اطمینان هم ندارم که این عریضه من خواهد رسید یا خیر و کی خواهد رسید. خدا بکند برسد.

باری قبل از این که داخل مقصود و مطلب خودم بشوم چند کلمه لازم است در باب خودم بنویسم: فعلا یک سال و خورده ای است ایالت کرمان را دارا هستم و نمی دانم باز تا کی این جا خواهم بود و این مراسله را از کرمان می نویسم، ولی یکی از دوستان من که عازم هندوستان است از آن جا به پست خواهد داد و اگر جوابی مرقوم بفرمایید ممکن است از راه درذاب به کرمان مرقوم فرمایید. باری برویم سر اصل مطلب.

حضرت آقای تقی زاده ، احتیاجات مملکت ایران آمدن حضرتعالی را به ایران قویا ایجاب و الزام می نماید. خواهید پرسید چرا؟ اگرچه یقین دارم از حوادث و وقایع ایران اطلاع دارید باز هم مختصری می نویسم . حوادث روسیه و وقایع عثمانی و اعلان جمهوریت در آن جا مطابق معمول در مملکت ما تأثیرات بزرگ داشته و دارد. با در نظر گرفتن طبیعت مقلد ایرانی- با فقدان حیثیت و به اصطلاح prestige دربار ایران در افکار اهالی -با محافظه کاری و عدم لیاقت طبقات ممتازة ایران - (و امید عفو دارم) با کج سلیقگی رفقای سابق حضرتعالی در ایران 1 در تحت حمایت عالیة سفارت و قنصلگری های دولت شوروی روسیه فرقة سوسیالیست تشکیل شده و لیبرهای آن عبارت از : سلیمان میرزا ، طباطبایی ، مساوات ، میرزا قاسم خان ، ناصرالاسلام گیلانی و امثال آن می باشند. فرقة سوسیالیست ایران مدتی است تشکیل شده است ، ولی اخیراً به واسطه کدورت حاصله مابین وزیر جنگ و دربار که منجر به توقیف و تبعید قوام السلطنه و مسافرت شاه شد طبعاً مابین اعداد سابق به اعتبار دشمنان دشمنان ما دوستان ما هستند مودتی ایجاد شده و کابینه حاضر نتیجه آن است.2

اگرچه ترکیب کابینه را البته از جراید فرنگ اطلاع حاصل فرموده اید مع هذا عرض کنم : وزیر جنگ رئیس الوزرا ، نکاء الملک خارجه ، مدیرالملک مالیه ، سلیمان میرزا معارف ، حاج عزالممالک فوائد عامه ، خدایارخان امیر لشکر پست و تلگراف ، معاضدالسلطنه وزیر عدلیه !!3، میرزا قاسم خان صور کفیل وزارت داخله .

می گویند کابینه سوسیالیست است ولی البته اغلب این آقایان سوسیالیست ایران یعنی بی عقیده و بوجار لنجان می باشند ولی اساساً مسلک های سیاسی در ایران و توسعه آن ها بسته به قدرت بوده و برای نیل به کار اتخاذ می شود.

بنده شخصاً احتمال می دهم که بعد از چندی باز تغییراتی در اوضاع حاصل شود ولی تاریخ به ما نشان می دهد که با پاره ای عقاید حتی شوخی و بازی خطرناک بوده ایجاد آن ها سهل ولی از بین بردن آن ها محال به نظر می آید.

ایران امروزه با شدت فقر و عقب ماندگی که دارد هر قدر که محتاج تغییرات سیاسی و اجتماعی باشد در هر حال هنوز برای سوسیالیزم حاضر نیست و اگرچه قطعاً عقیده حضرتعالی را نمی دانم ولی مقالات و مرقومات حضرتعالی به من حق می دهد تصورکنم که حضرتعالی هم این عقیده را دارید.

اگر پیش بینی بنده صحیح نیست استدعا می کنم این کاغذ را پاره کرده و به جعبه میز خودتان بیندازید و فراموش بفرمایید. اگر پیش بینی بنده برعکس صحیح است آن وقت در فکر چاره باشید.

به عقیده من ایران هنوز باید رژیم سرمایه داری را تازه پذیرفته و از اصول قرون وسطا خود را عاری نماید. باید ایران تمدن جدید را در تمام شعب حیاتی خود پذیرفته پس از آن که با جنبه های خوب سرمایه داری و صنعت تازه جنبه های بد آن نیز از قبیل تعدی به حقوق کارگران و زارعین و خفه شدن کار در چنگال سرمایه پیدا شد آن وقت می توان فکری برای آسایش این طبقه کرد، می توان ثروت موجوده را به تناسب بهتری تقسیم کرد. بالاخره می توان سوسیالیست شد ولی حالیه با بحران شدید اقتصادی و فقر عمومی، تقسیم فقر عمومی در عوض ثروت و مشی در طریق تقلید به نظر غیر منطقی می آید.

به نظر من یگانه چاره تأسیس فرقة قوی آزادیخواه اصلاح طلب است که در روی پایه های رژیم بورژوازی و سرمایه داری اساس اصلاحات و ترقی را برقرار نماید و در عوض تقلید و ترجمه

مرامنامه های غیر عملی اتخاذ شده از ممالک دیگر احتیاجات مملکت را مرام عملی خود قرار داده بدون ملاحظه جلو برود.

عوامل کار در ایران امروزه نسبتاً زیاد است ، ولی چیزی که در ایران نیست سر- رئیس – مؤسس – لیدر است . مؤسس این فرقه سیاسی که در خط مشی به طرف اصلاحات باید رادیکال باشد باید کسی باشد که امتحانات خود را داده و در میان مردم دارای prestige بزرگی باشد و همچنین ملاحظه کار نبوده آزادیخواهی او محل تردید نباشد. به علاوه از نقطه نظر ارتباطات سیاست خارجی مضمون نباشد.

بدبختانه در این مملکت این گونه اشخاص کم تر وجود دارند و اغلب رجال ایران اگر یک صفت را دارا باشند فاقد صفت دیگر هستند. بعد از این که من تمام رجال این مملکت را که می شناسم در نظر گرفتم یگانه کسی را که برای انجام این مقصود ملی صالح دیدم حضرتعالی هستید که دانایی و توانایی را توأم فرموده و دارای صفات و شرایط لازمه هستید.

حضرتعالی را کسی نمی تواند اجنبی پرست، مستبد، منفعت پرست، جبان، محافظه کار، بی اطلاع بخواند. حضرتعالی را نمی توان هو کرد. حضرتعالی طرفدار زیاد در ایران دارید. حضرت عالی وکیل هستید و انتخاب شده اید و تشریف آوردنتان به تهران تولید سوء ظنی نخواهد کرد.

بنابراین اگر با من هم عقیده هستید که اوضاع ایران و جریان های موجوده برای آتیه خطرناک است و وطن ما را به طرف انقراض سوق خواهد داد وظیفه ملی شما این است که کارهای دیگر خود را ترک کرده به ایران مراجعت فرمایید و بیشتر از این مملکت را از وجود خود بی بهره نگذارید.

من وظیفه خودم را که در تذکر بود انجام دادم و اگرچه وظایف اداری بنده شاید منافی این تذکر بوده و شاید خلیپها از این مراسله من اگر اطلاع بیابند خوشنود نشوند لازم دانستم مراتب را عرض کنم. باقی بسته به نظر محترم خودتان است . درخاتمه سلامتی وجود مسعود را همیشه خواستار بوده و هستم .

ارادت کیش ، عبدالحسین سردار معظم خراسانی

- 1- Patriot
- 2- مقصودش حزب دموکرات است و اشاره به اقدامات سلیمان میرزا
- 3- مقصود اولین کابینه ای است که سردار سپه تشکیل داد 3 آبان 1320
- 4- علامت های تعجب از تیمورتاش است.
- 5- کذا

مجموعه تاریخ – نامه های تهران – به کوشش ایرج افشار- شامل 154 نامه از رجال دوران سیدحسن تقی زاده /1379 انتشارات فرزین – رویه های 15 تا 18